به نام خدا

"مصاحبه با رزمنده سوم

محل مصاحبه:مسجد

تاریخ انجام مصاحبه:12 /8/1393

مدت زمان مصاحبه:45دقیقه

سن:51

جنس:مرد

شغل: بازنشسته شرکت نفت

پایگاه اقتصادی و اجتماعی:متوسط روبه بالا

1**-به عنوان سوال ابتدایی،میخواستم نحوه آشنایی و ورود خود را به دفاع مقدس شرح دهید؛درچه برهه ای از زندگی خود ودر چه شرایطی و تحت تاثیرچه عواملی وارد جنگ شدید؟**

ورود مابه تشكيلات قبل از انقلاب و تقريبا از نظرسني اول راهنمايي بوديم با انقلاب و جوي كه در مدرسه ها آمده بود و شعارهاي مرگ بر آمريكا ماهم شركت كرديم.سن ما در شرايطي بود كه تا اذان غروب اجازه داشتيم در تشكيلات باشيم و بيشتر از اون بخاطر سن كممون نميتونستيم بعد اذان فعاليت كنيم ولي يواش يواش فكرو برخوردهامون عوض شدبا پيورزي انقلاب انگار ماهم آزادشديم از آنجا آزادي ماهم شروع شد در آن زمان با آن عقب افتادگي و مشكلاتي كه داشت و استكبارجهاني آن ظلم هايي كه در حق ماكردند و به هرطريقي ميخواستند انقلاب اسلامي را بشكنند كه اين ملت با آن رهبري كه داشتند چه زن و چه مرد از خود گذاشته بودند خيلي به ندرت كساني بودند كه به جنگ اهميت نمي دانند با وجود ظلم و جوري كه وجود داشت ما يك غروري داشتيم و سعي مي كرديم هركدام به نوعي از وطن و خودمان دفاع كنيم در واقع به عنوان بسیجی رفتم با شروع جنگ من درسم رو کنار گذاشتم چون امام گفته بود که جنگ واجب تره و بخاطر همین ما تو سال 1359راهنمایی بودم حدودا 3تا4ماه در کردستان و مریوان در ایام زمستان در انجا بودم .

**با رضایت پدر و مادررفتید**؟

حقیقتا جنگ ذهنیت مارو عوض کرد و شرایط به گونه ای بود که نمی تونستیم بمونیم و از طرفی نمی تونستم به خانواده بگم برای همین به قصد اردو راهی شدیم گفتیم قراره چن روز بریم عباس اباد واسه همین از خانواده امضا گرفتم و راهی شدم به مدت یک ماه در پایگاه المهدی چالوس اموزش دیدیم بعد 3ماه اموزشی به کردستان رفتیم و بعد 6ماه و نیم در سردشت محاصره بودیم.سردشت منطقه خیلی کوچیکی بود که تو سال60اونجا محاصره بود مارو با هلی کوپتر به سر دشت بردند ارتش و بسیج در اونجا مستقر بودند تا خود پیران شهر تا سر دشت این منطقه دست دشمن بود ضد انقلاب های داخلی شاه دوستان و منافق جمع شده و ان منطقه را داشتند تا دیقه 90 بچه ها اونجا رو حفظ کردند تا اینکه بچه های چمران اونجا رو ازاد کردند ما در واقع به قصد 45روزه رفتیم لی 6ماه موندگار شدیم و نتونستیم بیایم

**2-آموزش مقدماتی خود را در چه شرایطی گذراندید؟آیا پیش تر سربازی رفته بودید؟**

به مدت یک ماه در پایگاه المهدی چالوس عباس اباد بصورت جزیی و دوره های یک هفته ای اموزش دیدیم بعد در چالوس مربی بسیجی و سپاهی داشتیم تا بصورت اماده تر اموزش ببینیم و بعد وارد منطقه شدیم لشکر 28کردستان 25 روز جنگ شهری رو به ما اموزش دادند اینطوری نبود که مارو بدون اموزش تو کیسه کنند و ببرند منطقه دوره ای تکمیلی استفاده از تفنگ ارپچی و قناسه ....را گذرانیدیم

**نحوه اشنایی با بسیج و سپاه:**

شروع اشنایی روخمینی زد قبلش تا انداره ای از خانواده یاد گرفته بودیم ولی استقلال فکری نداشتیم اما وقتی امام اومد فهمیدیم اما از صحبت ها و ایدئولوژی های ایشون و اعلامیه ها و روزنامه هاباعث شد بفهمیم اصلا با چه هدفی به دنیا اومدیم و دید ما رو بازتر کرد تازه فهمیدیم امام حسین که بود در ان زمان همه دیوانه شهادت بودند و به عشق شهادت می رفتند در ان زمان من وصیت نامه نوشتم براساس همان دوره و زمان که الان وقتی می خونم فکر نمیکنم ان وصیت نامه رو من نوشته ام مسیرو برخورد زندگی ما عوض شد

3-تصورشمانسبت به جنگ،پس از ورودتان به نبرد تا چه اندازه تغییرکرد؟

چون من دوستای خودم رواز دست داده بودم و شهید شده بودند ودرزمان شهادت انها حضور داشتم اون زمان نوجوان بودم و همه چیزو متوجه می شدم وان ها که دیدیم رفتم در مسیر شهادت .با توجه به سخنرانی های امام و رهبر کردند گفته ای شهید بهشتی و مفتح ....با توجه به کلاس های بسیجیکه برای ما میگذاشتن تاحدودی با حالو هوای اونجا اشنایت داشتم محیطش همون طوری بود که تصور میکردم بود تصور من همیشه صحنه کربلا بود صحنه ظلم و ستم .تصور من این بود که کشوری در پی استقلال است ولی دیگر کشورها با ظلم مانع استقلال کشور هستند ودر پی چپاول ایمان و عقیده ما هستند.

4**-چه مدت را در میدان نبرد بودید؟چه مدتی را درخط مقدم بودید؟در چه عملیات هایی شرکت داشتید؟آیا در جنگ مجروحیت هم داشته اید؟**

17ماه و نیم به عنوان بسیجی وداوطلب جبهه بودم در این مدت 7عملیات رمضان.بیت المقدس.والفجر4،8.شلمچه،کربلای 5،نفت 4بودم عملیات داخلی و برون مرزی چون در تیپ مالک هم بودیم تو اون عملیات درخاک دشمن بودیم که عملیات ماهوت 25کیلومتر توخاک دشمن رفتیم همونجام ازناحیه شکم مجروح شدم و حدود 17یا18ماه طول کشید سه بار عملیات کردم سه بار مجروحیت تو شلمچه و والفجر8درفاو و نفت 4هم مجروح شدم دو سه سال درگیر مجروحیت ها بودم 24ماه خدمت سربازی ام تو جبهه بودم هم کردستان و هم سیستان به طور کل 45 ماهتوجبهه بودم و الان جانباز35 درصدم

**5-تبلیغات جنگ درآن برهه زمانی را چگونه ارزیابی می کنید؟**

بله .ما وقتی صدای اهنگرانو میشنیدیم یاد کربلا و مظلومیت امام حسین می افتادیم اینکه اون موقع یاری نبود ولی الان هست صدای امامو میشنیدیم حاضر بودیم هرچی داریم و فدا کنیم وقتی میدیدم کسایی هستندمثل امام،رهبر شهید بهشتی و...که برای ما دلسوزی می کنند ومیخوان ما رشدکنیم ما هم دیگه باورمون شده بودکه برای این مملکت . ارمان های اون باید جونمونو فدا کنیم تا مملکت ما به دست اجنبی ها نیفته ان هایی که 70 سالاومدند و ما رو چپاول کردند نمونه اش دو تا شاهی که دیدیم دیدیم قبل انقلا بهیچ چیز نداشتیم و انهاایی که وضعشون خوب بود نهایتابخاری نفتی داشتند درکل امکانات خوب نبود.اما امروزه مملکت رشد کرد توسعه پیدا کرد امکاناتش هم بیشتر شد اگرچه ناحقی هایی در حق ما می کنند از داخل و هم از خارج ضربه می خوریم ولی اصل نظام این نیست اصل همون راه امام است هنوزهم کسایی هستند که راه امام را ادامه بدهند در این وسط کسایی هستند که دزدی می کنند و در لباس خودی ضربه می زنند این هاهمان فکر دشمنه کسانی که خودشونو رو قاطی ما کردند و یواش یواش رشد کردند

**6-به نظر شما،درآن برهه زمانی مردم عادی تصوری واقعی از جنگ داشتند؟**

درآن زمان همه فدایی بودند اکثریت وقتی رزمنده ای قرار بود به جبهه برود هم تو بارون و هم طوفان با سلام و صلوات اونو راهی میکردند حتی اگه اشناییتی با اون فرد نداشتند ولی به اون فرد روحیه میدادند .عده ای چون می ترسیدند و فکر میکردند تا قیامت زنده هستند ولی نمی دانستند انسان تا ابد درجایی دیگر زنده است نه این دنیای فانی.دنیا عرصه ازمایش و انسان وسیله ان و همه در حال ازمایش هستیم به یک طریقی و همه اون سختی ها را به خاطر اسلام و خدا تحمل میکنیم

**7-اگر بخواهید تفاوت یک روز از زندگی امروز خود را با یک روز زندگی در جنگ مقایسه کنید،به چه مواردی اشاره خواهید کرد؟**

اون روزا رو با امروز عوض نمی کنم اون روزا عصر طلایی ما بود .مثل اینکه یه جوونی ارزوش اینه که کنکور قبول شه بره دانشگاه و فرضا دکتر و مهندس و..بشه اون چه فکری درمورد ایندش داره ما هم همون فکر رو داریم اون روزا برای ما همینطور بود دانشگاه اصلی ما جبهه ها بود چون جبهه مارو میساخت ماالان به بچه ها توصیه میکنیم درس بخونند راه راست برید و مواظب باشید چون همیشه کسانی هستند که زر پای شما رو خالی می کنن چه در دانشگاه و چه بیرون دانشگاه همیشه فتنه گرانی هستند انسان باید خودشو بالا بکشه و برای جامعه مفید باشه و برای مملکتش کارهای بزرگ انجام بده.شرایط ها فرق داره درسته اون زمان جنگ سرد بود این روزها هم همه درگیر جنگ نرم هستند که به نظر من این جنگ به مراتب سخت تر از ان جنگ است جوونی اگه بتونه با این جنگ مبارزه کنه و با این تشکیلاتی که الان هست خودشو حفظ کنه به نظر من کاری سخت تر به مراتب سخت تراز امثال من انجام داده با این امکانات اگه بتونه خودشو حفظ کنه و سالم نگه داره از صف رزمندها هم بالاتره چون منهم این دروه رو دیدم هم اون دوره.ت. اون دور مابرای ی بار زنگ زدن چن روز تو نوبت بودیم که از قله بیایم پایین و بریم شهر تا یه زنگ به خانواده بزنیم و از سلامتی خودمون خبر بدیم الان از دورترین نقطه خیلی راحت میشه با دیگران ارتباط برقار کرد.جوونا همینطوری که رشد میکنن خطراتشون هم بیشتر و درمعرض خطرند و خودشون باید نگهبان خودشون باشند

**8-به نظر شمازخم ها و دردهای احساسی و عاطفی باقی مانده از دوره جنگ چگونه التیام پیدا می کنند؟**

هرکسی یه توقعی میتونه داشته باشه .مثلا خانواده شهید یه توقعی داره بچه های شهید یه توقع دیگه های دارند همه دوست دارن دیده بشن همه دوست دارند اونا رو بزرگ بشمارند ولی خب باید گذشت هم داشته باشند هردو روی یک سکه رو ببینند نمیشه فقط روی یه سکه رو دید به گفته امام همه باید برابر باشند اسلام اینو میخواد حالا فرض اینکه افرادی به جبهه نرفتند حالا بخاطر ترس از جان نباید ان افراد و لگدمال کرد.ان ها هم حق دارند و تو این خاک زندگی میکنند در کل نباید توقع زیادی داشت

**10-به نظر شمارسانه ها در ارائه روایت از جنگ تا چه اندازه واقعی و عادلانه برخورد کرده و میکنند؟**

فیلم های الان خوبه یه چیزایی رو از جنگ می رسونه ولی خب کاملانیست در کل زحمت کشیدندو صحنه های رو پیاده کردند اما بطور کامل نتونستند وکمتر دیدم ان جیزهایی که در ذهن من هست و من لمس کردم کمتر د ر رسانه و تلویزیون دیدم

11-نظرشما نسبت به یادبودها و یادمان های جنگ چیست؟آیا آن ها را به شکل برگزارشده فعلی لازم و مفید می بینید؟

این ها هم نشانه های برای عدم غافل بودن ما جنگ است یادواره یکیک تذکر است کسانی بودند که در دوره ای به فرمان امام از خود گذشتگی هایی کردند.جان شیرینه و همه دوست دارند زندگی کنند ولی خلاصه خودشونو فدا کردند تا امروز باقی بماند.در قبال کاری که اونا انجام دادند ایا انصاف نیست که یک روز در سال رو به انها اختصاص بدیم و از اونا یاد کنیم ایا حقشون نیست که احترامشونو داشته باشیم سرزمینی که 1000نفر6000هزار نفر حتی بالاتر که در طی عملیات ها خونشون ریخته شد ضجه زدند و دست و پا زدند و شهید شدند این همه سختی رو تحمل کردند.اینجا دست کسی زخمی میشه دو دیقه امبولانس دتر بیاد زنگ می زنند اما بودند اونجا کسایی که زخمی می شدند و دست و پاشون قطع میشد و ضجه میزدند اما امبولانس نبود اون زمان بیشتر قاطر بود بچه ها رو با قاطر حمل می کردند از جمله خودمو.تو نفت 4 ماهت از عملیات برون مرزی ما رو با قاطر اوردند درست زمانی که مردم با اسودگی خوابیده بودنند و این بچه ها جان دادند عملیات میکردند که در دانشگاه مدرسه مساجد نمونه باز بمونه حقشان نیست که براشون یاواره بگیریم؟اگرو کسری هست باید قانع باسیم اه هاهم به اندازه توان خودشان کار می کنند شاید جوانای امروزه بتوند از خودشون خلاقیت بهتری نشان بدهند بتوانند کارهای بزرگتری انجام بدهند و بتوانند حقیقت رو پیاده کنند یادواره هاحتی برای رزمنده ای باقی مانده نوعی یاداوری است

**12-روند تجلیل،ستایش و آرمانی شدن ارزش های جنگ را در طی سالیان پس از جنگ چگونه ارزیابی می نمائید؟اگر نقصانی در این زمینه وجود داردمقصرکیست؟نسل متولد شده پس از جنگ؟نهادهای مربوطه نظیرسازمان تبلیغات اسلامی و...؟نسل جنگ رفته که تلاش زیادی در جهت اشاعه این ارزش نکرده اند؟**

بیشتر رسانه ها باید حقیقت اون زمان رو بدرستی به مردم نشان بدهند در قالب روایت فتح حالا در اندازه ای که ازشون برمیاد انجام می دهند چون واقعا بعضی از صحنه ها دلخراش است مردم تحمل دیدن ندارند

**13-آیاارزش های جنگ در جهان امروز کاربرد دارند؟آیا ارزش های جنگ رو به محو شدن هستند؟آیا جنگ را باید فراموش کرد؟آیا کاری در قبال فراموشی آن می شود کاری کرد؟چگونه می شودارزش های آن دوران را به لحاظ اخلاقی برای جامعه امروز بازسازی کرد؟مسئولیت نسل های آینده در قبال جنگ چیست؟**

بی کاربرد هم نیست خلاصه ان تجربه هایی که از جنگ باقی مونده هنوز دشمنان ما باید از مامیترسند همین الن هم از مقاومت بچه های ما می ترسند چرا چون می دانند بچه های ما الان هستند نسل های بعدی ما هستند که دفاع میکنند برای عدم فراموشی ان هنیم یادبودها و یادمان ها و فیلم و رسانه ها مفیدند .دشمنان هم وقتی در ان طرف گود می ببینند مردم هنوز در ااین یاوداره ها هستند و فراموش نکردند می ترسند امریکا قبل جنگ تمام دوره و اطراف ما رانیرو ریخت و چپاول کردند وکشتند که هنوزهم می کشند درسته سربازها ی نامرئی از طریق موبایل و تکنولوژی واردد می کنند اما جرات ندارند سربازی رو به داخل کشور ما بفرستند شاخ به شاخ بشوند 8سال جنگ به پا کردند و در نهایت شکست خوردند و چوبش رو خوردند.ملیت ما تاریخش سنگین است و ملی غیور است.مسئولیت نسل اینده چون شنیدند مسوئلیت دارند دشمن بیاد به کسی رحم نمی کنه دشمن وقتی وارد خاک ما شود نمی گرده برای کشتن گلچین نمی کنه وارد بشه همه رو قتل و عام میکنه .فکر دشمن نابودی یک ملت هست پس نسل لینده یاید اماده باش و زرنگ باشه

**14-آیا باکسانی که در جنگ شرکت داشته اند احساس هویت مشترک می کنید؟آیابا هم رزم های دیروزخود،امروز نیز دیداردارید؟این دیدارهادسته جمعی است یا انفرادی؟منظم یا اتفاقی؟در این دیدارها بیشتر خاطرات گذشته خود را مرور می کنید یا راجع به شرایط امروز بحث می کنید؟**

الان با بچه هاجنگ رابطه داریم با 4استان گیلان وکردستان گلستان و مازندران هر سال همایش اوردیم پارسال این همایش در گلستان برگزار شد سال بعد اگه خدا بخواهد در گیلان برگزار می شود بالای 1000رزمنده هستند که دیدار داریم حتی به خانواده های شهدا سرکشی میکنیم .هر سل برنامه وما ه جلسه داریم جلسه های ماهانه د راستان های مربوطه است مثلابهشهر در بهشهر اما در طول سال هم یک استان جمع می شویم بصورت منظم که در این مراسم ها یاد و خاطرات جنگ و اون روزها رو تداعی می کنیم که شهدا فراموش نشوند البته این بچه ها فراموش نمی شوند شاید کسانی مارو فراموش کنند اشکالی نداره خودمون خودمونو فراموش نمی کنیم چون ما جنگ رو از نزدیک دیدیم و به خودمون تعهد دادیم تا اخرشم پاش می ایستیم در این برنامه ها استاندارو فرمانده سپاه ،استادای دانشگاه رزمندگان همه طوایف در این مراسم ها حضور دارند همه یاد و خاطرات اون روزهای جنگ هم خاطره گویی خاطره جنگ و هم مشکلات امروز جامعه .چون همه ما بچه داریم و مشکل و اینطور نیست که ما در اسایش زندگی میکنیم.همه مشکل داریم و همونجا مشکلات امروز را مطرح می کنیم و از بچه ها دفاع می کنیم د راکثر مراسم ها اولین دغدغه مشکلات امروز جوانان است .نه برای بچه های خودمون برای همه همونطور که قبلا خودمونو فدا کردیم الانم برای همه خودمونو فدا می کنیم چون همه رو بچه های خودمون می دونیم مملکت سرمایه زیاده و فقیر نیست حتی تا جایی که به کشورهای مسلمان دیگه کمک می کنیم پس چرا برای بچه های خودمون انجام ندیم.

**15-آیا تصمیمی برای نوشتن خاطرات خود از جنگ دارید؟به نظرشما انتشار چنین خاطراتی چه تاثیری در جامعه امروز دارد؟آیا این خاطرات در جامعه امروز مخاطب خواهد داشت؟**

مینویسم میدم به بعضی از بچه ها که سوادشون بیشتره این خاطراتو جمع اوری می کنند حتی یه چند باری پیش من هم اومدندمثلا در نشریات و کتاب هایی که مخصوص رزمندگان چاپ می شود از ما مصاحبه می کنند .نه اینکه من فقط از خودم صحبت کنم نه چون در جنگ برا همه بود و شخص نمی تونه دخیل باشه من هزار تا خاطره شخصی دارم اما ده تا اصلی رو جمع کردم که اون برای من باارزش تره.دردها برای خودمه اما بعضی از خاطرات و واقعیات است که برای همه لازمه که بشنوند. ما باید از شهدا بگیم و بشنویم و خاطراتشو برای دیگران نقل و تعریف کنند .یه چیزهایی خصوصی و خاطرات ها شخصی اند ولی بعضیا عمومیه و باید مطرح شود .در زمین همیشه ادم ها ی پاک هستند که بخوان این خاطراتو بشنونند چه دانشگاهی و چه غیر دانشگاهی هستند کسایی که فکرشون بازتر است و دوس دارن تاریخو بدونن و منعکس کننده باشن . با فکر خودشون تجسمش کنند مثلا یه روضه خون بالای منبر برود و از صحرای کربلاو از بی ابی امام حسین و اهل حرم حرف بزنه تاکسی تجربه نکرده باشه نمی تونه درک کنه کسی میتونه که درک کنه و لمسش کرده باشد به فر ض خودم من 16روز بخاطر مجروحیت نتونستم اب بخورم و تازه اونجا متوجه شدم تا حدودی که امام حسین و یارانشو درک کردم و تازه کربلا رو درک کردم

**وبه عنوان صحبت پایانی**

اول خدا خدا خدا،بعد از خدا از استادا و همه کسایی که دانشجو تربیت می کنند یادشون باشه یه مسئولستی رو گردشونه .من درسمو ادامه ندادم اما میدونم استاد دانشگاه همون ارپیچی زنی که از خاکریز میره بالا و میره خودشو فدا میکنه تانک دشمنو می زنه تابه خاک ما تجاوز نشهالان استاد دانشگاه با فکر و درایتی که داره دانشجو رو تربیت می کنه اونم حالت همون رزمنده رو داره.زرنگ باشه می تونه همون کسی باشه که عاقبت خوبی داره حتی می تونه با فکربچه ها بازی کنه و در حق ما جفا کنه که اگه اون مسیرو بره فردای قیامت من و امثالمن که هنوز در این مملکت حضور داریم و حتی اونایی که رفتند ازشون نمیگذریم .خلاصه یه قول هایی بهم دادیم بهرحال یک جا جمع میشیم و هنوز سر عهد مون ایستادیم یاباید مییایم بدرقه اون ها یا یقه اونارو بگیریم که چرا در حق جنگ و گذشت بچه هاو اون همه رنج و امکانات و اون همه هجمه استکبار جهانی و....جفا کردند اگر حقیقت را بگویند اگر ما در قیامت جایگاهی داشته باشیم هوادارشون هستیم اما اگه بخواهند به شهدا خیانت کنند مطمئن باشند ما در قیامت برای اونا از شمر هم بدتر هستیم و گذشت نمی کینم چون در حق دوستای ما جفا کردند.برای همه دانشجوها ارزوی سلامتی داریم و برای همه دعا میکنیم و تحت هر شرایطی موفق باشید خواهرا با حجاب خودشون و برادر ها با معرفت و مردونگیشون و فکر پاک که شیطان در ان نباشه برا همه ارزوی سلامتی و سربلندی میکنیم

از شما تشکر صمیمانه دارم به جهت وقتی که در اختیار ما قرار دادید و صحبت های ارزشمندی که مطرح نمودید